روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

شنبه ۲۶ تیر ۱۳۹۵ ■ ۱۱ شوال ۱۴۳۷ ■ ۱۶ جولای ۲۰۱۶ ■ سال هشتم ■ شماره ۱۹۳۱ ■ ۱۶ صفحه ■ ۱۰۰۰ تومان
■ ۱۱۷۷ سال و ۲۰۹ روز گذشت
VATAN-E-EMROOZ ■ VoL.08 ■ No.1931 ■ Sat.Jul.16, 2016 ■ ISSN:2008-2886

۳/۶ میلیارد یوروی ایران آسفالت می‌شود
قرارداد عجیب با ایتالیا
صفحه ۳

۳ تحریم جدید کنگره علیه ایران
صفحه ۲

ربیعی: من وزیر یارانه قطع کن هستم
سفره‌های مردم تهی‌تر شده‌است
صفحه ۱۶

حمله تروریستی یک کامیون به اجتماع مردم در جشن ملی فرانسه
۸۴ کشته و بیش از ۱۰۰ زخمی برجا گذاشت
رژه مرگ در نیس
صفحه ۱۵

تیترهای امروز

۳۱ کشته و ۶۴۰ مجروح
ماحصل درگیری‌های اخیر در کشمیر
جامعه جهانی خواب است

صفحه ۱۵

جزئیات تکمیلی از تحولات جدید در سازمان تأمین اجتماعی
دفترچه‌های بیمه حذف می‌شود
صفحه ۴

تمدید عضویت ۳ فقیه شورای نگهبان
صفحه ۲

ادعای روس‌ها درباره دستور کار آمریکایی‌ها برای نشست این هفته کمیسیون مشترک برجام
رآکتور آب‌سبک اراک؟!
صفحه ۲

نگاه

چینش ماهرانه موانع توسط آمریکا
■ سعید حاجی‌پور*

بحث داغ این روزهای فضای اقتصادی کشور، موضوع تفاهم با کارگروه اقدام مالی «FATF» است. آنچه ورای ابهامات موجود در این تفاهم وجود دارد که به صورت مختصر به آن اشاره می‌شود، تبحر دشمن در مدیریت و طراحی مجموعه‌ای از موانع پیش روی اقتصاد ایران است.

از جمله ابهامات اصلی این تفاهم، نوع تعریف ۲ طرف از موضوع تروریسم است. آنچه مصداق طرف غربی از تروریسم است به وضوح شامل گروه‌های مقاومت از جمله حزب‌الله لبنان و در مرحله بعد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. در واقع دشمن همان اقدامی را که در لبنان علیه حزب‌الله انجام داد- و با تحریم حزب‌الله توسط آمریکا، بانک‌های لبنانی را مجبور به عدم همکاری با حزب‌الله کرد- در قبال ایران پیش گرفته‌است.

اتفاق عجیب، همراهی یکی از مسؤولان ارشد بانک مرکزی با این برنامه آمریکاست. به‌گونه‌ای که این مسؤول در مقاله‌ای در یکی از روزنامه‌های اقتصادی راه‌حلی مطابق نقشه آمریکا پیشنهاد می‌کند. در این پیشنهاد ایران باید تحریم‌های بین‌المللی را به رسمیت بشناسد و بانک‌های ایرانی که خواستار برقراری ارتباط با شبکه بانکی بین‌المللی هستند، نباید همکاری و ارتباطی با افراد، نهادها و سازمان‌های تحریم‌شده از سوی آمریکا داشته باشند. در قدم بعد پیشنهاد می‌کند مرجعی زیر نظر شورایعالی امنیت ملی تشکیل شود و با متخلفان برخورد قضایی انجام دهد. با وجود اینچنین تفکراتی در نهادهای رسمی کشور امید دشمن به تأثیرگذاری تحریم‌ها بر اقتصاد ایران قابل درک است. حال که آمریکا نقشه لبنان را بخوبی به سرانجام رسانده است، بعد از این پیروزی قصد اجرای همان نقشه را در ایران دارد. نکته مبهم دیگر در توافق صورت‌گرفته، فرصت یک ساله کارگروه به ایران و راستی‌آزمایی و نظارت بر عملکرد ایران است. این نظارت یقینا منجر به دسترسی طرف غربی به اطلاعات بانکی ایرانیان- که دولت محترم آن را محرمانه قلمداد می‌کند و از آن برای شناسایی دهک‌های درآمدی جهت پرداخت یارانه استفاده نمی‌کند - می‌شود و این به معنای افشای اطلاعات در زمان جنگ اقتصادی است.

ادامه در صفحه ۵

روزنه

شاهکارهای تورمی دولت؛ توهم یا واقعیت؟
■ ناصر عابدینی

چندی است دولت تدبیر سعی دارد در برابر افکار عمومی چنین نشان دهد که توانسته است ثبات خوبی را به اقتصاد و مدیریت ایران تزریق کرده و برخی آمارها را بهبود دهد. این نوشتار کوتاه در پی آن است تا واقعیات آماری را به صورتی بسیار ساده، شفاف‌سازی کند. در این راستا به شاه‌بیت تبلیغاتی دولت یازدهم یعنی کنترل تورم پرداخته شده و در آینده نیز به موضوع مهم دوم یعنی بهبود رشد اقتصادی و سراب عبور از رکود پرداخته می‌شود.

طبق نمودار ارائه‌شده در همین نوشتار که از آمارهای بانک جهانی مستخرج است، بخوبی واضح است در سال‌های شدت یافتن تحریم‌ها، تورم به دلیل کمبود ارز، بالا رفتن قیمت آن و البته برخی دلایل دیگر افزایش پیدا کرده است. این اتفاق خود را از سال ۸۹ که رفته‌رفته تحریم‌هایی بر ایران اعمال شد نشان داده است. طبق این نمودار این تورم در سال ۹۲ یا ۲۰۱۳ به اوج خود رسیده است. به درستی در این نمودار مشخص است که در سال ۹۲ یعنی روی کار آمدن و سپس استقرار دولت یازدهم، تورم کاهش چشمگیری یافته است. این موضوع در نظر اول واقعی و درست، موجب شده دولت یازدهم روی موضوع کاهش تورم تبلیغات زیادی صورت دهد و البته این واقعیت ظاهری نیز از دید مردم پنهان نیست. با این حال نکات زیر در این زمینه قابل تامل است.

الف - تحریم؛ دلیل افزایش ناگهانی و نامتعارف تورم

درباره کاهش تورم در سال ۹۲ می‌توان نکات زیر را مد نظر قرار داد:

- افزایش نامتعارف تورم (البته نه همه مقدار آن) در سال‌های ۹۰ تا ۹۲ به دلیل تحریم‌ها بوده است. این موضوع خود را در سال‌های شروع تحریم‌ها و سپس اوج گرفتن آن بخوبی نشان می‌دهد.

- اوج گرفتن تورم در سال‌های ۸۹ تا ۹۲ نمی‌تواند محصول سیاست‌های دولت سابق در آن سال‌ها باشد. دلیل این امر این است که در این سال‌ها تفاوت محسوسی در سیاست‌های اقتصادی، صنعتی و بازرگانی دولت قبل رخ نداد که بتوان تورم ایجادشده را معلول سیاست‌های اقتصادی یا صنعتی مربوط دانست.

ب- کاهش شدید و اولیه تورم محصول کار دولت فعلی نیست

بنابر دلایل زیر نمی‌توان کاهش تورم در سال ۲۰۱۴ یعنی یک سال بعد از روی کار آمدن دولت فعلی را محصول سیاست‌های دولت فعلی دانست:

- دولت در سال اول فعالیتش اقدام اقتصادی، بازرگانی و صنعتی خاصی انجام نداد تا روی تورم اثر ناگهانی در سطح بالای ۲۰ درصد داشته باشد. در این سال سیاست اقتصادی خاصی نیز دنبال نشد. در واقع اگر بنا باشد کاهش تورم در سال ۹۳ یا ۲۰۱۴ را به تغییر سیاست‌های دولت جدید نسبت داد، اولا باید این تغییرات را برشمرد و ثانیا این تغییرات باید در سال ۹۲ و قبل‌تر از آن روی داده باشد که خود را در سال ۹۳ نشان داده باشد که البته این دولت که اواخر تابستان ۹۲ مستقر شده نمی‌توانسته چنین سرعتی را از خود نشان داده باشد. اثر تغییر این سیاست‌ها زمان لازم دارد.

- با اتمام اثر تحریم قطعا اثر تورمی آن هم تمام می‌شود. مثلا تحریم‌ها باعث افزایش قیمت دلار به ۳ برابر شد و کالاهای وارداتی هم در آن سال ۳ برابر گران‌تر شدند. در سال بعد تحریم جدید اعمال نشده و برای همین دلار دلیلی برای افزایش مجدد قیمت ندارد و همان کالا نیز دلیلی برای افزایش قیمت ندارد. در حالی که سال قبل کالای مورد نظر ۳۰۰ درصد رشد قیمت داشته، امسال صفر درصد رشد خواهد داشت. آیا دولت می‌تواند ادعا کند اقدامات من موجب کاهش ۳۰۰ درصدی تورم این کالا شده است؟ طبیعتا در این فرآیند که دولت اصلا نقشی نداشته نباید هم مدعی باشد. کاهش تورم در این سال مانند بند آمدن خون از دست بریده است. وقتی چاقو دستی را برید (تحریم اعمال شد) خون می‌آید ولی بعد از مدتی که اثر آن عادی شد (دلار ۳ برابر شد) دیگر دلیلی برای افزایش دوباره خون‌ریزی (تورم) به این دلیل وجود ندارد.

پ - کاهش ثانویه تورم/ شاید دلیل عملکرد دولت باشد یا نباشد

بنا بر دلایل گفته‌شده، بعد از کاهش ناشی از اتمام اثر اولیه تحریم اگر در سال‌های بعد باز هم تورم کاهش پیدا کرده باشد (که اتفاق افتاده) این موضوع می‌تواند مربوط به این دولت بوده یا می‌تواند باز هم مستقل از آن باشد.

- اگر میزان نرخ تورم از مقدار قبل از اثرات تحریم‌ها نیز کاهش داشته باشد، این موضوع می‌تواند دلیل اقدامات این دولت باشد.

- در صورتی که تورم امسال را با تورم سال ۸۹ مقایسه کنیم، تفاوت محسوسی در این زمینه نمی‌بینیم. گویا تحریم‌ها بتدریج تورم را بالا برده و حال که اثراتش گذشته و تمام شده دوباره همه چیز به حالت قبل بازگشته است. یعنی باز هم این کاهش اخیر معلوم نیست کار این دولت بوده باشد. تحریم علتی بوده برای افزایش تورم و حال این علت اثرش تمام شده است.

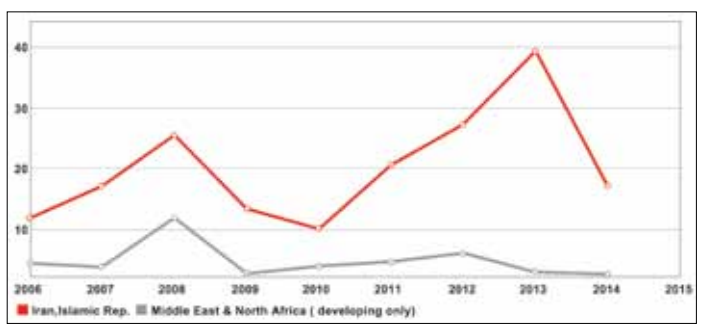

ت - کنترل تورم همراه با رکود

اگر هم با آسمان و ریسمان بافتن نپذیریم که برگشت نزولی نرخ تورم در ۲ سال اخیر به دلیل فروکش کردن اثرات تحریمی و سپس شروع لغو بعضی تحریم‌هاست، نکته دیگر این است که این کاهش همراه با رکود اقتصادی و سیاست‌های انقباضی بوده است. یعنی کنترل تورم اگر همراه با افزایش تولید کالا و خدمات بوده باشد می‌توان این را ناشی از روش درست کنترل تورم دانست ولی اعمال سیاست‌های انقباضی در صورتی که صنایع خود با رکود مواجه هستند، ممکن است تورم را بیشتر از قبل مهار کند ولی رکود را بیشتر از قبل دامن می‌زند. آمارها نشان از افزایش تولید و سطح اشتغال در حدی ندارد که بتوان گفت به دلیل این افزایش‌های ناگهانی تورم کنترل شده است.

■ **نتیجه‌گیری**

با توجه به دلایل گفته‌شده، نمی‌توان کاهش تورم اتفاق‌افتاده را محصول سیاست‌های دولت یازدهم و آن هم سیاست‌های درست دولت دانست. تورم بیش از حد سال‌های اخیر معلول تحریم‌ها بود که با اتمام اثرات آن این اثر نیز از بین رفت. آمارهای تولید نشان نمی‌دهد با رونق اقتصادی ایجادشده و افزایش سطح عرضه کالا و خدمات، این تورم کنترل شده باشد. به نظر ادعای گزافی است از سوی دولتی که تمام هم و غم خود را به خارج از کشور دوخته که بگوید و تبلیغ کند من با اقداماتم تورم را کنترل کرده‌ام؛ دولتی که منتظر است با کرامت رفع تحریم‌ها و دادن امتیازات فراوان گشایشی در امور ایجاد شود. دولت اگر ادعای اینچنینی دارد بگوید چرا فکر می‌کند فروکش کردن اثرات تحریم علت کاهش تورم نیست؟ اصولا این دولت کدامین گشایش اقتصادی را با کدامین سیاست‌ها انجام داده که فکر می‌کند او است که تورم را به سطح سال ۸۹ رسانده است؟ سیاست‌های انقباضی و رکودزایی که قدرت خرید را بلوکه کرده است اگر هم دلیل کنترل تورم باشد دلیل همه آن نیست و اگر هم دلیل همه آن باشد ارزشی ندارد کنترل تورم به بهای رکود عمیقی که ممکن است اقتصاد ایران را دچار خوابی عمیق‌تر کند.

یادداشت امروز

سوءتفاهم دوستانه در حلقه الیگارشیک
■ امیر استکی*

در یکی ـ دو سال اخیر در این جریده بسیار درباره وجود یک کاست سیاسی الیگارشیک در ایران سخن گفته شده است. مساله‌ای که شاید برای مخاطبان به آن وضوح و شفافیتی که نزد نویسندگان و مطرح‌کنندگان آن وجود دارد، نباشد اما این روزها و با افشا شدن مساله فیش‌های حقوقی براحتی می‌توان یک فهم بدون واسطه و سلیس از این مفهوم داشت. یک کاست نخبگانی که عهده‌دار توزیع منافع می‌شود و براحتی فاصله بهره خود از بیت‌المال را به حداقل ۵۰ برابر یک کارمند معمولی می‌رساند. آن هم در کشوری که قانونش تاکید کرده است سقف دریافتی در سیستم دولتی در نهایت می‌تواند ۷برابر کمترین حقوق باشد. آن هم در وضعیتی که هیچ رقابت مفیدی برای تصدی صندلی‌های ریاستی در کشور جریان ندارد و نهایت رقابت همان انتخابات است که هر گروهی که اقبال مردم را به خود جلب کند به صورت یکجا بر منابع و روند توزیع آنها مسلط خواهد شد و بعد از آن لکوموتیو و لکوموتیوران و واگن‌ها و مسافران یکجا عوض می‌شوند. البته در همه جای دنیا رقابت بر سر همین منابع و روش توزیع آنهاست و در عالم سیاست این بیشتر نوعی طنز است که کسی مدعی شود برای چیزی منفک از این تسلط بر منابع پا به عرصه سیاست گذاشته است. چپ‌ترین گروه‌های سیاسی نیز به دنبال تسلط بر روند توزیع منابع برای چیزی هستند که به‌اصطلاح «توزیع عادلانه منابع» می‌خوانندش.

در دنیای اسلام هم ایده‌آل تسلط نماینده معصوم خداوند بر این منابع برای اطمینان از رعایت عدالت و رساندن حق به ذی‌حق است. همانگونه که در تاریخ درباره راه و مرام مولای متقیان حضرت علی(ع) می‌خوانیم.

از همه اینها که بگذریم در دنیا مرسوم است که سیستم‌های کنترل و نظارت برای به خطا نرفتن روند توزیع منابع در نظر گرفته می‌شود. در کشور ما هم این ساختارها وجود دارد اما به نظر حقیر همه چیز در لفافه‌ای از تجاهل دوست‌منشانه و رفاقتی و خانوادگی پیچیده شده است. به نوعی این پندار وجود دارد که خطاهای مختلف‌الجهت نخبگان سیاسی حاکم نوعی مساله درون‌خانوادگی یا درون‌تشکیلاتی یا به عبارتی نوعی سوءتفاهم دوستانه است که باید بین خودمان حلش کنیم و نکته اساسی این است که غریبه‌ها [در اینجا یعنی اندکی کمتر از همه مردم] نباید از این مساله مطلع شوند و اگر هم شدند در نهایت اینها مساله‌های ملت نیست. مگر نه این است که رئیس‌جمهور ۲۶ خرداد همین امسال گفتند این مساله را تبدیل به یک «مساله ملی» نکنید. یعنی در نهایت عده‌ای خبطی کرده‌اند که ما خودمان رفع و رجوعش می‌کنیم و مردم را بهتر است مشوش نکنید (یا به عبارت دیگر دخالت‌شان ندهید). این هم از جنس همان تجاهل روامدارانه در برخورد با این چنین مسائلی است. البته رسوایی قضیه آنقدر بالا بود که نشود بیشتر از ۲۰ روز روادارانه با آن برخورد کرد و در نهایت رئیس محترم جمهور در دیدار عیدانه با جمعی از مسؤولان کشور تاکید کرد: «مساله فیش‌های غیرمتعارف یک مساله ملی است»! چیزی که قرار بود به مساله ملی تبدیل نشود، ۲۰ روز بعد یک مساله ملی از آب درآمد.

مساله‌ای که مردم سال‌ها و بارها آن را به‌گونه‌ای در مشاهده اشرافیت حاکم بر زندگی نخبگان سیاسی صاحب قدرت به نوعی درک می‌کردند، این‌بار مستدلا برای‌شان به یک درک قطعی و محتوم تبدیل شد. درکی که هر کسی براحتی می‌تواند حدس بزند چه تبعات شومی برای امنیت فکری ملت خواهد داشت. چیزی فراتر از یک مساله بلکه به عبارت دقیق‌تر نوعی بحران.

ادامه در صفحه ۵

۰۹۲۰۳۰۳۳۹۳۰

سلام وطن
۶۶۴۱۳۹۴۲

www.vatanemrooz.ir